

نقش قراردادهای استاندارد (نمونه) در تجارت بین‌المللی و مقایسه آن با قراردادهای الحاقی در حقوق داخلی

دکتر عبدالحسین شیروی *

رواج قراردادهای استاندارد یا قراردادهای نمونه در تجارت بین‌المللی روز به روز در حال گسترش است. بسیاری از شرکتهای تجاری به جای تنظیم قراردادهای جداگانه با تک‌تک طرفهای تجاری خود، از قراردادهای مشابه استفاده می‌کنند که از قبل با دقت تهیه و تنظیم شده است. در قراردادهای استاندارد تعدادی جای خالی وجود دارد که متناسب با هر مورد و پس از توافق تکمیل می‌شود.

در معاملات داخلی، نیز شرکتهایی که عرضه خدمات یا کالاهایی را در انحصار دارند از مکانیزم مشابهی (عقود الحاقی) استفاده می‌کنند. این شرکتهای معمولاً قراردادهای نمونه‌ای را که از پیش تهیه شده است به مشتریان خود عرضه می‌کنند که مشتریان ناگزیرند یا قرارداد را در کل قبول کنند، یا از آن صرف‌نظر نمایند.

این مقاله در صدد است تا اولاً نقش قراردادهای استاندارد را در تجارت بین‌المللی به طور مختصر مورد بررسی قرار دهد، ثانیاً بیان کند که آیا قراردادهای استاندارد و قراردادهای الحاقی دارای طبیعتی واحدند و آیا حمایت‌هایی که در نظامهای ملی برای جلوگیری از سوءاستفاده از قراردادهای

الحاقی مقرر شده است شامل قراردادهای استاندارد در تجارت بین‌المللی نیز می‌شود.

مقدمه

امروزه استفاده از قراردادهای استاندارد^۱ یا قراردادهای نمونه در تجارت بین‌المللی امری رایج و متعارف است. بسیاری از شرکت‌های تجاری به جای تنظیم قرارداد با تک‌تک طرف‌های تجاری خود از قراردادهایی از پیش تهیه شده استفاده می‌کنند که در آن‌ها حقوق و تعهدات طرفین به نحو واضح و جامعی پیش‌بینی شده است. در تجارت داخلی، شرکت‌هایی که عرضه خدمات یا کالاهایی را در انحصار دارند از مکانیزم مشابهی استفاده می‌کنند. این شرکت‌ها معمولاً قراردادهای نمونه‌ای را که از پیش تعیین شده است به مشتریان خود عرضه می‌کنند که مشتریان ناگزیرند یا قرارداد را به طور کامل قبول یا از آن صرف نظر کنند. در این نوع قراردادهای (که به عقود الحاقی^۲ معروف‌اند) مشتریان عموماً به آن کالاهای یا خدمات نیاز داشته و مجبورند تا قرارداد ارائه شده را بپذیرند، هر چند قادر نیستند برای تغییر مفاد قرارداد مذاکره کنند.

این مقاله در صدد است ضمن بیان کارکرد قراردادهای استاندارد در تجارت بین‌المللی، مشخص کند که آیا قراردادهای استاندارد، همان قراردادهای الحاقی در حقوق داخلی است یا با هم متفاوت‌اند؟

نظام‌های حقوقی ملی که قراردادهای تجاری بین‌المللی را احاطه کرده‌اند اصولاً دارای مقررات یک‌سانی نیستند؛ یک قرارداد ممکن است در کشورهای گوناگون به آثار و نتایج قراردادی متفاوتی منجر گردد. از طرف دیگر، طرفین یک قرارداد تجاری اصولاً نمی‌توانند قرارداد خود را صددرصد خارج از تأثیر و نفوذ یک سیستم حقوقی ملی تنظیم و اجرا کنند، زیرا تقریباً در همه نظام‌های حقوقی این اصلی پذیرفته شده است که یک قرارداد الزاماً باید در قلمرو یک سیستم حقوقی ملی به وجود آمده، دارای تأثیر شود و نمی‌تواند در خلأ شکل گرفته و اجرا گردد.

بنابراین یک قرارداد ممکن است در نظام‌های حقوقی گوناگون به حقوق، تعهدات و نتایج متفاوتی منجر شود. تجار بین‌المللی اصولاً تمایلی ندارند که سرنوشت قرارداد

خود را در هاله‌ای از ابهام رها سازند، بلکه بر عکس، آن‌ها شدیداً می‌خواهند که حقوق و تعهدات قراردادی آن‌ها به طور مطمئنی مشخص باشد. روند صحیح و منطقی تجارت، به خصوص در سطح بین‌المللی، به قدرت پیش‌بینی و برنامه‌ریزی طرفین نسبت به حقوق و تعهدات ناشی از قراردادها بستگی دارد.

در ارتباط با این نیاز تجاری و به خاطر فراهم آمدن شرایط مطمئن‌تری برای انجام معاملات، اصل آزادی قراردادی به عنوان یک قاعده مبنایی مورد قبول اکثر نظام‌های ملی واقع شده است. یکی از نتایج مهم این اصل، اعطای آزادی به طرفین در انتخاب قانون حاکم بر قرارداد است تا قرارداد در قلمرو آن قانون دارای اثر شده و مطابق با آن تکمیل و تفسیر شود. انتخاب قانون حاکم بر قرارداد به طرفین امکان می‌دهد تا آن‌ها بتوانند آثار قرارداد را به نحو مطمئن‌تری پیش‌بینی کنند و از بروز نتایج نامطلوب و غیرقابل انتظار اجتناب کنند. تجار و حقوق‌دانان درگیر در تنظیم قراردادهای بین‌المللی دریافتند که صرف انتخاب قانون حاکم بر قرارداد، همیشه و در همه موارد برای نیازهای بازرگانی کافی نیست، زیرا اولاً: بعضی از نظام‌های ملی طرفین قرارداد کاملاً آزاد نیستند تا قانونی را انتخاب کنند که به نحوی با قرارداد ارتباط داشته باشد،^۳ یا این آزادی در موردی به رسمیت شناخته شده است که طرفین قرارداد هر دو از اتباع خارجی باشند.^۴ ثانیاً: در بسیاری از موارد طرفین قرارداد نمی‌توانند در مورد قانون حاکم بر قرارداد به توافقی برسند، خصوصاً اگر قانون پیشنهاد شده، قانون متبوع یکی از طرفین قرارداد باشد. این در حالی است که توافق بر قانون کشوری ثالث نیز ممکن است به انتخاب قانونی منجر شود که طرفین بدان آگاهی لازم را ندارند. ثالثاً: قانون انتخاب شده ممکن است به اندازه کافی توسعه یافته نباشد که بتواند جواب‌گوی نیازها و انتظارات طرفین قراردادهای بازرگانی و پیچیده بین‌المللی باشد.

بنا به ملاحظات بالا امروزه تنها تکیه به انتخاب قانون حاکم بر قرارداد در تعیین حقوق و تعهدات قراردادی کافی نبوده و نمی‌تواند به طور مؤثر از ابهام در آثار قراردادها جلوگیری کند.

برای رفع این مشکل، اصل آزادی قراردادی به نتیجه مهم دیگری منجر شد که بر اساس آن طرفین یک قرارداد بین‌المللی بتوانند آثار قرارداد را متناسب با نیازهای خود

تنظیم کرده، میزان حقوق و تعهدات هر طرف را از پیش معین کنند. تنظیم محتوای قرارداد، متناسب با نیاز و خواست طرفین، شیوه‌ای است که بدان وسیله تأثیر قانون حاکم بر قرارداد محدود می‌گردد. بنابراین تنظیم قرارداد به طور مبسوط وسیله مؤثری برای پیش بینی آثار قراردادی و ثبات در قراردادها است. با وجود این، در بسیاری از موارد طرفین قرارداد امکانات کافی یا تخصص لازم برای تنظیم چنین قراردادهایی را ندارند تا برای هر مورد، قراردادی مبسوط تنظیم کنند. تجار بین‌المللی در حل این مشکل روش مؤثری را اتخاذ کرده‌اند و آن استفاده از قراردادهای از پیش نوشته شده‌ای است که در آن شروط قراردادی و میزان حقوق و تعهدات طرفین به طور مبسوط پیش‌بینی شده است. این قراردادهای از پیش تهیه شده که به قراردادهای استاندارد معروف هستند می‌توانند در موارد مشابه مورد استفاده قرار گیرند. بنابراین مبنای استفاده از قراردادهای استاندارد، اصل آزادی قراردادی است که توسط نظام‌های ملی گوناگون به رسمیت شناخته شده است و به طرفین امکان می‌دهد که بتوانند مفاد قرارداد و نحوه تقسیم حقوق و تعهدات را بین طرفین معین کنند.

تعریف قراردادهای استاندارد

یک قرارداد استاندارد متنی از پیش تهیه شده است که میزان حقوق و تعهدات هر کدام از طرفین، تعیین موارد نقض قرارداد و ضمانت اجرای آن، نحوه حل و فصل دعاوی ناشی از قرارداد، قانون حاکم بر قرارداد، و جزئیات مهم دیگر در آن به طور مبسوط پیش‌بینی شده است، که با پرکردن جاهای خالی می‌تواند به یک قرارداد کامل تبدیل شود. جاهای خالی عمدتاً مربوط به اسامی طرفین و موضوع قرارداد است که متناسب با هر مورد خاص، توافق شده و تکمیل می‌شود. این قراردادها اصولاً به نحوی تنظیم می‌شوند که قابلیت استفاده در موارد مشابه را دارند و تکمیل جاهای خالی یک قرارداد استاندارد، آن را به یک قرارداد معین و خاص تبدیل می‌کند.

در این جا لازم است که قراردادهای استاندارد را از دو مقوله مشابه یعنی «شرایط عمومی»^۵ و «شروط استاندارد»^۶ جدا کرد. شرایط عمومی از یک سری مقررات کلی تنظیم می‌شود که اگر به قرارداد پیوست شود یا در قرارداد بدان ارجاع شود، نقشی

مشابه به یک قانون ملی را برای قرارداد ایفا می‌کند.

در بسیاری از موارد، تجار بین‌المللی به نوشتن قراردادهای مختصر اکتفا کرده و شرایط عمومی معینی را بدان پیوست می‌کنند. در این صورت آثار قرارداد در پرتو آن شرایط عمومی تعیین شده و مورد تفسیر و تکمیل قرار خواهد گرفت. چنانچه امری در قرارداد مسکوت گذارده شده باشد، برای تکمیل قرارداد ابتدائاً به شرایط عمومی پیوست شده، مراجعه خواهد شد؛ مثلاً اگر در یک قرارداد بین‌المللی مواد ۱۸۳ تا ۳۰۰ قانون مدنی ایران مورد ارجاع قرار گیرد و یا پیوست قرارداد شود، این مواد به عنوان شرایط عمومی تلقی شده و قرارداد مطابق این مواد تفسیر و تکمیل خواهد شد، هر چند قانون ایران به عنوان قانون حاکم بر قرارداد تعیین نشده باشد، زیرا این مواد به عنوان شرایط عمومی جزئی از قرارداد شده و تا حدی که مخالف نظم عمومی و قوانین آمره نباشد بر قانون حاکم مقدم است. بنابراین، در حالی که «شرایط عمومی» نقشی مشابه یک قانون دارند، قراردادهای استاندارد، قراردادهای نوشته شده و کاملی هستند که ممکن است شرایط عمومی خاصی نیز بدان پیوست شده باشد.

قراردادهای استاندارد از «شروط استاندارد» نیز متفاوت است. در تجارت بین‌المللی موارد بسیاری یافت می‌شود که مقررات و شروط متحدالشکلی در مورد یک جنبه خاص از قرارداد تهیه شده تا در قراردادهای تجاری مورد استفاده قرار گیرد. طرفین قرارداد با گنجاندن این شروط متحدالشکل و از پیش تهیه شده از مزایای استاندارد کردن جزئی قرارداد بهره‌مند می‌شوند. در این روش طرفین قرارداد اقدام به تدوین قرارداد کرده و به جای تنظیم بعضی از جزئیات قرارداد از شروط استاندارد استفاده می‌کنند که قبلاً با دقت و به نحو قابل قبولی تهیه شده است؛ مثلاً طرفین به جای اینکه در مورد زمان انتقال کالا به مشتری، هزینه‌های تحویل کالا، مکان تحویل، و یا موارد مشابه تک‌تک بحث کرده و توافق کنند، با گنجاندن اف. او. بی. ^۷ اینکوئترم^۸ سال ۱۹۹۰ در قرارداد، مشخص می‌کنند که قرارداد باید طبق شروط مندرج در اینکوئترم ۱۹۹۰ اتاق تجارت بین‌الملل^۹ تفسیر شود. هر چند شرایط عمومی و شروط استاندارد نیز نوعی استاندارد کردن قراردادها به حساب می‌آیند.^{۱۰}

انواع قراردادهای استاندارد

قراردادهای استاندارد ممکن است توسط خود ارائه‌کننده تنظیم و تدوین شده باشد. شرکت‌های بزرگ تجاری که دارای بخش حقوقی قوی هستند و از نیروی متخصص کافی بهره‌مندند، معمولاً متناسب با نیازها و نوع کالاها و خدماتی که ارائه می‌دهند خود به تنظیم این نوع قراردادها مبادرت می‌کنند. با این روش، شرکت تهیه‌کننده امکان پیدا می‌کند تا قرارداد مورد قبول خود را تنظیم کند و آن را در موارد مشابه و نسبت به طرف‌های تجاری مختلف به کارگیرد، بی آن‌که برای هر موردی یک قرارداد جداگانه تنظیم کند. گاهی شرکت‌های کوچک‌تر که به دلایلی قادر به تدوین قراردادهای استاندارد اختصاصی خود نیستند،^{۱۱} قراردادهای تنظیمی توسط شرکتهای بزرگتر را تقلید کرده و عیناً یا با اندک تغییراتی مورد استفاده قرار می‌دهند.

بسیاری از قراردادهای استاندارد به وسیله انجمن‌های صنفی تجاری^{۱۲} تنظیم گردیده‌اند. این انجمن‌های تجاری که متشکل از گروهی از تجار و شرکت‌های تجاری هستند و در تجارت خاصی فعالیت می‌کنند، به منظور ارائه خدمات به اعضا و تبادل اطلاعات و تجارب، به جمع‌آوری نرم‌ها و عرف‌های موجود در آن تجارت اقدام کرده و آن‌ها را در قالب قراردادهای استاندارد عرضه کرده‌اند. این نوع قراردادهای استاندارد از آن جهت اهمیت داشته و به طور گسترده مورد استفاده قرار می‌گیرند که در برگیرنده منافع شرکت‌های تجاری به خصوصی نبوده و به وسیله کسانی تدوین شده‌اند که خود در تجارت آن کالا یا خدمات فعالیت مؤثر داشته و با آگاهی از نیازها، مشکلات و عرف‌های موجود در آن حرفه، محتوای آن قراردادها را تنظیم کرده‌اند؛ مثلاً انجمن تجاری غله و تغذیه^{۱۳}، انجمن تجاری پنبه لیورپول^{۱۴}، و انجمن تجاری شکر تصفیه شده^{۱۵} از جمله انجمن‌های صنفی تجاری هستند که به تنظیم قراردادهای استاندارد در حرفه خود اقدام کرده‌اند تا مورد استفاده کسانی قرار گیرند که می‌خواهند در آن نوع تجارت فعالیت کنند.^{۱۶}

علاوه بر انجمن‌های تجاری، سازمان‌های فراملیتی نیز به تهیه قراردادهای استاندارد اقدام کرده‌اند که روز به روز بر اهمیت و تعداد آن‌ها افزوده می‌شود. این سازمان‌های منطقه‌ای و یا بین‌المللی برای اهداف و مسئولیت‌های خود و به منظور ساده و یکنواخت

کردن قراردادهای تجاری بین‌المللی، اقدام به تهیه قراردادهای استاندارد کرده و به تجار و شرکت‌های تجاری توصیه کرده‌اند که در روابط تجاری خود از آن‌ها استفاده کنند. این قراردادها اصولاً در بین تجار بین‌المللی از اعتبار زیادی برخوردارند، زیرا این قراردادها نتیجه تحقیقات گسترده و تجارب حرفه‌ای موجود در آن نوع تجارت بوده و به نحو بی‌طرفانه‌ای تنظیم شده‌اند. با توجه به اینکه در تنظیم این قراردادها سعی شده است تا تعادلی نسبی بین حقوق و تعهدات متقابل طرفین قرارداد ایجاد شود و صرفاً حافظ منافع صنفی صادرکننده یا واردکننده نباشند، در سطح جهانی مورد اقبال و توجه فراوانی قرار گرفته‌اند.

یکی از سازمان‌های بین‌المللی که نقش فعالی در تهیه و ارائه قراردادهای استاندارد داشته است کمیسیون اقتصادی اروپا وابسته به سازمان ملل متحد^{۱۷} است. این کمیسیون در رابطه با فعالیت‌های بازرگانی متفاوتی اقدام به تهیه قراردادهای استاندارد کرده است که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

- ۱- فرم ۱۸۸ در مورد عرضه تأسیسات و ماشین‌آلات برای صادرات؛^{۱۸}
 - ۲- فرم ۱۸۸ الف در مورد عرضه و نصب تأسیسات و ماشین‌آلات برای صادرات و واردات؛^{۱۹}
 - ۳- فرم ۱۸۸ ب مرتبط با بیان شرایط اضافی برای نظارت بر نصب تأسیسات و ماشین‌آلات مهندسی در خارج؛^{۲۰}
 - ۴- فرم ۵۷۴ در مورد عرضه تأسیسات و ماشین‌آلات برای صادرات؛^{۲۱}
 - ۵- فرم ۵۷۴ الف در مورد عرضه و نصب ماشین‌آلات برای واردات و صادرات؛^{۲۲}
 - ۶- فرم ۵۷۴ ب مرتبط با بیان شرایط اضافی برای نظارت بر نصب تأسیسات و ماشین‌آلات مهندسی در خارج؛^{۲۳}
 - ۷- فرم ۷۳۰ در مورد صادرات کالاهای مصرفی با دوام و کالاهای مهندسی.^{۲۴}
- کمیسیون اقتصادی اروپا قراردادهای استاندارد دیگری نیز در مورد فروش حبوبات، مرکبات، سوخت‌های جامد، سیب زمینی و محصولات فولادی تنظیم کرده است. هم‌چنین کمیسیون، دو قرارداد استاندارد در مورد قراردادهای بیع متقابل^{۲۵} و بای یک^{۲۶} تهیه کرده است که می‌تواند مورد استفاده کسانی قرار گیرد که در زمینه تجارت

مقابل^{۲۷} فعالیت دارند. از دیگر قراردادهای استاندارد که به وسیله سازمان‌های فراملی تهیه شده است قراردادهایی است که توسط فدراسیون بین‌المللی مهندسی و مشاورین^{۲۸} در رابطه با نصب و راه‌اندازی تأسیسات می‌باشد و از مهم‌ترین آن‌ها «شرایط قراردادی مهندسی ساختمانی شهری» است.

فواید استفاده از قراردادهای استاندارد

رواج قراردادهای استاندارد در تجارت بین‌المللی ناشی از امتیازات و منافعی است که استفاده از این نوع قراردادها برای طرفین دارد، چون این قراردادها از پیش تهیه شده‌اند و پرکردن جاهای خالی آن ساده است، این امر موجب می‌شود اولاً: طرفین در مورد شرایط قراردادی و محتوای آن سریع‌تر به توافق برسند و به جای مذاکره در مورد جزء جزء آن، به مسائل مهم‌تری از قبیل بهای قرارداد، موضوع آن، میزان خدمات پس از فروش و مانند آن پردازند و در نتیجه جو اعتماد بین طرفین را حفظ کرده و از طولانی شدن مذاکرات، افزایش هزینه‌ها و چه بسا شکست مذاکرات جلوگیری کنند.

ثانیاً: قراردادهای استاندارد - به خصوص آن‌هایی که به وسیله سازمان‌های فراملی تنظیم شده‌اند - نشان دهنده عرف‌های موجود در آن تجارت بوده و حاوی مهم‌ترین شروطی هستند که لازم است در یک قرارداد پیش‌بینی شود. این قراردادها با دقت تنظیم شده و اصولاً نحوه نگارش آن‌ها ساده و خالی از ابهام است و طرفین می‌توانند با ضریب اطمینان زیادتری به آن‌ها اعتماد کنند. برای طرفین مشکل است تا قرارداد خود را طوری تنظیم کنند که علاوه بر پیش‌بینی شروط مهم قراردادی از لحاظ نگارشی و اصول قراردادنویسی به پایه قراردادهای استاندارد برسد، لذا این قراردادها معمولاً به وسیله تیم‌های بزرگ تحقیقاتی متشکل از حقوق‌دانان ورزیده، تجار و صاحبان حرف تنظیم شده و مرتب مورد استفاده و نقد و بررسی محافل حقوقی و تجاری قرار می‌گیرند^{۲۹}.

ثالثاً: بسیاری از نظام‌های حقوقی ملی به اندازه کافی توسعه یافته نیستند تا جواب‌گوی نیازها و مشکلات قراردادهای بلند مدتی شوند که مرتبط با پروژه‌های بزرگ صنعتی و اقتصادی است و چه بسا باید با مشارکت چندین شرکت خارجی اجرا شود. حل مشکلات حقوقی این نوع قراردادها، با توسل به قواعد عمومی قراردادها ممکن

است برای طرفین نتایج رضایت‌بخشی به همراه نداشته باشد. در این موارد طرفین ترجیح می‌دهند تا خود قرارداد مناسب با نوع حرفه و تجارت خود را تنظیم کنند و دایره نفوذ و تأثیر نظام‌های حقوقی ملی را محدود سازند.^{۳۰}

رایباً؛ در جایی که طرفین قرارداد تمایلی به استفاده از قراردادهای استاندارد ندارند، آن‌ها ممکن است از قراردادهای استاندارد، به عنوان پیش‌نویس استفاده کنند. با توجه به اینکه قراردادهای استاندارد از انعطاف زیادی برخوردارند، طرفینی که تصمیم دارند خودشان جزئیات قرارداد خود را تنظیم کنند، می‌توانند یک قرارداد استاندارد را مبنا قرار داده و شروطی را که نامناسب می‌دانند تغییر بدهند. با این روش طرفین از مزایای یک قرارداد استاندارد بهره‌مند می‌شوند در عین حالی که آن را با نیازهای خود تطبیق داده‌اند.

ارتباط قراردادهای استاندارد با قانون حاکم بر قرارداد

قراردادهای استاندارد همانند سایر قراردادها در چهارچوب و محدوده یک قانون ملی شکل گرفته و دارای تأثیر می‌شوند. مشروعیت این نوع قراردادها متکی به اصل آزادی اراده است که کم و بیش در نظام‌های حقوقی گوناگون مورد قبول واقع شده است. با توجه به اینکه طرفین قرارداد می‌توانند محتوای قرارداد خود را معین کنند، آن‌ها هم چنین می‌توانند یک قرارداد از پیش تهیه شده را مورد توافق قرار دهند، زیرا اکثر نظام‌های ملی، طرفین قرارداد را بهترین کسانی می‌دانند که دارای صلاحیت تعیین میزان حقوق و تعهدات قراردادی هستند.

از آن جا که یک قرارداد استاندارد هر چند به نحو مبسوطی تنظیم شود نمی‌تواند از تأثیر قانون حاکم بر قرارداد خارج باشد، لذا باید در پرتو قانون حاکم مورد توافق قرار گیرد، زیرا اولاً؛ شروط مندرج در قرارداد استاندارد نباید ناقض مقررات قانون حاکم و مخالف نظم عمومی باشد و الا تا حدی که معارض است مقررات قرارداد استاندارد بی‌تأثیر خواهد بود. ثانیاً؛ قراردادهای استاندارد اصولاً مطابق با قانون حاکم بر قرارداد تفسیر می‌شوند و چنان چه مطلبی در قرارداد مورد توافق قرار نگرفته باشد آن امر مطابق با قانون حاکم بر قرارداد حل و فصل خواهد شد. تنظیم قراردادهای استاندارد به طور

مبسوط هم نمی‌تواند تمام جنبه‌های قراردادی را پیش‌بینی کند، در نتیجه به قانون حاکم بر قرارداد نیازمند است و نمی‌تواند صددرصد خارج از قلمرو و نفوذ قانون حاکم اجرا شود.

البته امروزه روند کلی در کشورهای صنعتی و توسعه یافته، اجتناب از دخالت در قراردادهای تجاری بین‌المللی است. در این کشورها مفهوم نظم عمومی و قوانین آمره در رابطه با قراردادهای تجاری بین‌المللی تغییر کرده و دارای قلمروی محدود و استثنایی شده است.^{۳۱} با این وصف، این مقررات قانون حاکم است که خلأهای موجود در یک قرارداد استاندارد را پر می‌کند و اراده طرفین قرارداد را در موارد متعرض نشده، تکمیل می‌کنند.

فرق قراردادهای استاندارد و قراردادهای الحاقی

استفاده از قراردادهای استاندارد و از پیش تهیه شده منحصر به تجارت بین‌المللی نبوده و به نحو گسترده‌ای در داخل مرزهای یک کشور نیز استفاده می‌شوند. در بسیاری از موارد این قراردادهای نمونه به وسیله شرکت‌ها و مؤسسه‌های بزرگ و پر قدرت ارائه می‌شوند که دارای قدرت انحصاری و شبه انحصاری در عرضه آن کالا یا خدمات هستند. برای جلوگیری از اجحاف شرکت‌های بزرگ و حمایت از مصرف‌کنندگان، در بسیاری از نظام‌های حقوقی ملی، طرف ضعیف در این نوع قراردادها مورد حمایت قرار گرفته است. در این جا برای مشخص شدن فرق قراردادهای نمونه با قراردادهای استاندارد لازم است ابتدا تعریفی از قراردادهای الحاقی داشته و به طور مختصر دلایل کنترل را مورد بحث قرار دهیم.

قرارداد آن‌ها الحاقی، قراردادی نمونه است که معمولاً به صورت چاپی بوده و توسط عرضه کننده یک کالا یا خدمات که دارای قدرت اقتصادی کاملاً برتری است، تنظیم شده و به مصرف‌کننده آن کالا یا خدمات ارائه می‌شود، و مصرف‌کننده یا باید آن قرارداد را با همه شروط قبول کرده یا کلاً از آن صرف نظر کند؛ مثلاً افرادی که نیاز به تلفن دارند مجبورند به شرکت مخابرات مراجعه کرده و قرارداد نمونه‌ای را که از قبل به وسیله شرکت مخابرات تهیه شده امضا کنند. در این موارد افراد نیازمند به تلفن چاره‌ای

ندارند جز این که قرارداد را با کلیه شرایط مندرج در آن قبول کنند یا از داشتن تلفن صرف نظر کنند.

به طور خلاصه می توان ویژگی های قراردادهای الحاقی را چنین عنوان کرد:

- ۱- تهیه کننده و ارائه کننده قراردادهای الحاقی معمولاً دارای قدرت بازرگانی و اقتصادی انحصاری و شبه انحصاری هست؛
 - ۲- ارائه کننده معمولاً شرایطی در قرارداد می گنجاند که منافع او را تأمین کرده و مسئولیت ها و تکالیف او را محدود سازد؛
 - ۳- طرفی که قرارداد به او عرضه شده است معمولاً به آن کالا یا خدمات نیاز دارد؛
 - ۴- اساس این نوع قراردادها مبتنی بر این است که خواهان کالاها یا خدمات عرضه شده برای دسترسی به آن باید تمام شرایط را قبول کند.
- در حقوق داخلی بسیاری از کشورها مقرراتی وجود دارد که به دادگاهها اجازه می دهد تا به نفع طرف ضعیف مداخله کرده و شرایط و محتوای قراردادهای الحاقی را تعدیل کنند. این مقررات حمایتی اصولاً قراردادهای استاندارد را که در مقاصد بازرگانی بین تجار بین المللی تنظیم می شود شامل نمی شود، زیرا قراردادهای الحاقی با قراردادهای استاندارد از جهت مبنا، جایگاه و نحوه تنظیم تفاوت اساسی دارند. گُرد دیپلاک^{۳۲} در پرونده Music Publishing Macaulay v Schroeder به روشنی تفاوت قراردادهای استاندارد با قراردادهای الحاقی را توضیح داده و بیان کرده است که چرا فقط قراردادهای الحاقی نیاز به حمایت و دخالت قضایی دارند. وی می گوید:

«قراردادهای استاندارد دو نوع هستند: نوع اول که خیلی قدیمی اند بیان کننده شروطی هستند که قرارداد باید مطابق با آن شروط اجرا شود. بارنامه ها، اجاره نامه های کشتی، بیمه نامه ها و قراردادهای فروش اجناس، نمونه هایی از این نوع قراردادهای استاندارد هستند. شروط استاندارد شده در این قراردادها نتیجه سال ها مذاکره بین نمایندگان گروه های ذی نفعی بوده که در این نوع قراردادها درگیر بوده اند و به طور گسترده مورد پذیرش قرار گرفته اند، زیرا تجربه ثابت کرده است که این قراردادها روند تجارت را تسهیل می کنند. تأثیر این نوع قراردادها تنها به طرفین قرارداد منحصر نمی شود بلکه دیگری را نیز که در امور بازرگانی دخیل هستند مثل خریداران و فروشندگان، اجاره

کنندگان کِشتی و صاحبان آن، بیمه‌گرها و بانک‌ها تحت تأثیر قرار می‌دهد. اگر منصفانه یا معقول بودن شرایط این قراردادهای نقشی در قابل اجرا بودن آن‌ها داشته باشد، این حقیقت که آن‌ها به طور گسترده‌ای مورد استفاده طرفینی بوده است که دارای قدرت اقتصادی نسبتاً برابری بوده، به این پیش فرض منجر خواهد شد که شرایط این نوع قراردادهای منصفانه و معقول هستند.

با این وصف، این پیش فرض در مورد نوع دوم از قراردادهای استاندارد جاری نیست. این نوع قراردادهای نسبتاً جدید و نتیجه تمرکز نوع خاصی از فعالیت‌های بازرگانی در دست تعداد اندکی هستند. پرونده‌های مربوط به خرید بلیط در قرن ۱۹ احتمالاً اولین مثال‌ها را نشان می‌دهد. شرایط این نوع از قراردادهای استاندارد موضوع مذاکره بین طرفین قرارداد نبوده و هم‌چنین به وسیله هیچ سازمانی که حافظ منافع طرف ضعیف باشد مورد تأیید قرار نگرفته است. این شرایط به وسیله آن طرفی که دارای قدرت اقتصادی برتر است به تنهایی و یا هماهنگ با دیگر کسانی که کالاها و خدمات مشابه را عرضه می‌کنند دیکته شده و به طرف ضعیف می‌گوید: اگر تو این کالاها یا خدمات را می‌خواهی، قبول این شرایط تنها راهی است که می‌توانی به آن کالاها یا خدمات دست رسی پیدا کنی، یا قبول کن یا برو دنبال کارت^{۳۳}»

بنابراین، قوانین و مقرراتی که در حقوق داخلی بعضی از کشورها وجود دارد و به دادگاه اجازه می‌دهد تا در حمایت از مصرف‌کنندگان دخالت کرده و شرایط قراردادی را تعدیل کنند، در مورد قراردادهای استاندارد که در تجارت بین‌المللی مورد استفاده قرار می‌گیرد مجری نخواهد بود. دلایل این تفاوت را به طور خلاصه می‌توان چنین بیان کرد: اولاً: طرفین قراردادهای بین‌المللی در شرایط نسبتاً مساوی قرار دارند و اختلاف قدرت، اقتصادی آن دو آن قدر زیاد و عمیق نیست که بتوان ادعا کرد یک طرف تمام شروط خود را به دیگری تحمیل کرده و در واقع قرارداد محصول اراده مشترک طرفین نیست.

ثانیاً: دخالت دادگاهها در قراردادهای الحاقی به این جهت است که عرضه‌کنندگان کالاها یا خدمات، دارای قدرت انحصاری و نیمه انحصاری بوده و مصرف‌کننده ناگزیر از قبول قرارداد است، زیرا آن کالا یا خدمات مورد نیاز عمومی است. در حالی که این

نحو انحصار در بازرگانی بین‌المللی که شرکت‌های متعددی از کشورهای متفاوت با هم رقابت می‌کنند به آسانی به وجود نمی‌آید. در فرض وجود چنین انحصاری باز نمی‌توان ادعا کرد که طرف دیگر آن چنان به آن کالاها یا خدمات مضطر بوده که چاره‌ای جز قبول آن نداشته است.

ثالثاً: در قراردادهای الحاقی قرارداد به مصرف کنندگانی ارائه می‌شود که ممکن است بی‌سواد باشند یا آن قدر عجله داشته باشند که وقت خواندن آن را ندارند یا به خاطر این که فاقد اطلاعات حقوقی هستند قادر به درک محتوای قرارداد و یا شروط آن نیستند و یا شروط قرارداد آن چنان ریز نوشته شده است که معمولاً افراد نمی‌توانند آن‌ها را بخوانند، در حالی که یک شرکت بازرگانی که معمولاً دارای مشاور حقوقی است نمی‌تواند ادعا کند که به خاطر ریز بودن شروط قراردادی، عدم آگاهی از معانی آنان، داشتن عجله، بی‌سواد بودن یا نظایر آن بدون درک و آگاهی، قرارداد ارائه شده را قبول کرده است.

رابعاً: بسیاری از قراردادهای استاندارد توسط انجمن‌های صنفی بازرگانی و سازمان‌های بین‌المللی تنظیم شده‌اند که در برگرفته عرف‌های رایج در آن نوع تجارت است و نمی‌توان ادعا کرد که قرارداد حاوی شرایط ناعادلانه‌ای به نفع یک طرف و به ضرر طرف دیگر است تا ضرورت دخالت مقامات قضایی را توجیه کند.

به خاطر این ملاحظات است که در کشورهای گوناگونی این مقررات حمایتی منحصر به قراردادهای داخلی شده و قراردادهای تجاری بین‌المللی صریحاً استثنا شده‌اند؛ مثلاً قواعد حمایتی مطرح شده در قانون شرایط قراردادی ناعادلانه ۱۹۷۳ انگلستان^{۳۴} صریحاً به قراردادهای داخلی محدود شده است و یا قانون مدنی هلند که در سال ۱۹۹۲ لازم الاجرا شده نیز قلمرو حمایتی خود را منحصر به قراردادهای مصرف‌کنندگان و شرکت‌های کوچک داخلی کرده است.^{۳۵}

نتیجه گیری

استفاده از قراردادهای استاندارد در بازرگانی بین‌المللی امری رایج و معمول است و روز به روز به تعداد آن‌ها افزوده می‌شود. مزایای فراوان این نوع قراردادها موجب شده

تا انجمن‌های صنفی بازرگانی و سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی دخالت کرده سعی نمایند برای تسهیل در انجام معاملات و فراهم آوردن یک اساس قراردادی قابل قبول، قراردادهای استاندارد تهیه کرده تا مورد استفاده کسانی قرار گیرد که در تجارت مربوطه فعالیت دارند. گفتنی است وقتی یک قرارداد استاندارد تکمیل و امضا می‌شود، همانند یک قراردادی خواهد شد که طرفین سطر به سطر آن را مورد مذاکره و امضاء قرار داده و نوشته باشند. چون جنبه‌های حمایتی که در حقوق داخلی بعضی از کشورها نسبت به قراردادهای الحاقی وجود دارد اصولاً شامل قراردادهای استاندارد که در بازرگانی بین‌المللی مورد استفاده قرار می‌گیرد نمی‌شود، طرفی که چنین قراردادهایی به او عرضه شده باید دقت کافی کرده و با آگاهی کامل آن‌ها را امضا کند، مخصوصاً در مواردی که قرارداد به وسیله ارائه‌کننده تهیه شده باشد، چون در این موارد ممکن است ارائه‌کننده، قرارداد را به نحوی تهیه کرده باشد که بیش‌تر حافظ منافع خودش باشد.

هم چنین محتوای این نوع قراردادها باید در پرتو قانون حاکم بر قرارداد مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند، زیرا به هر حال قرارداد مطابق و تحت کنترل و نظارت قانون حاکم بر قرارداد باید اجرا شود. نکته دیگر این که ممکن است در قرارداد استاندارد به «قواعد عمومی» خاصی یا «شرایط استاندارد» دیگری ارجاع شده باشد که در این صورت باید قبل از نهایی کردن قرارداد و امضای آن حتماً از مفاد موارد ارجاع شده آگاهی پیدا کرد. نکته پایانی که باید در استفاده از قراردادهای استاندارد مورد توجه قرار گیرد این است که یک قرارداد استاندارد ممکن است کاملاً متناسب و منطبق با نیازهای طرفین نباشد. در این صورت لازم است قرارداد تعدیل شود. از آن جا که تغییر دادن جزئی شرایط یک قرارداد استاندارد ممکن است به تعارض و ناهماهنگی بین اجزای قرارداد منجر شود، لازم است دقت کافی شود تا اگر ضروری است قسمت‌های دیگر قرارداد نیز تعدیل گردد.

پی نوشت

1. Standard Contracts.
2. Contracts of Adhesion.
۳- به عنوان مثال بند (۱) ماده ۱۰۵-۱ قانون متحدالسنکلی تجاری آمریکا (Uniform Commercial Code) مقرر می‌دارد که طرفین آزاد هستند هر قانونی را که با قرارداد رابطه معقولی دارد به عنوان قانون حاکم بر قرارداد انتخاب کنند؛ مثل قانون متبوع یکی از طرفین، قانون محل انعقاد قرارداد یا قانون محل اجرای قرارداد.
- ۴- ماده ۹۶۸ قانون مدنی ایران مقرر می‌دارد: «تعهدات ناشی از عقود تابع قانون محل وقوع عقد است مگر این که متعاقدين اتباع خارجه بوده و آن را صریحاً یا ضمناً تابع قانون دیگری قرار داده باشند.»
5. General Conditions.
6. Standard Terms.
7. Free on Board (FOB).
8. International Commercial Terms (INCOTERMS).
9. International Chamber of Commerce (ICC).
۱۰. لازم به تذکر است که بعضی از مباحث مطرح شده در مقاله در مورد شروط استاندارد نیز جاری است.
۱۱. به عنوان نمونه تنظیم یک قرارداد استاندارد برای یک شرکتی که دارای حجم تجاری محدودی است با صرفه نخواهد بود.
12. Trade Associations.
13. The Grain and Feed Trade Association (GFTA, London).
14. The Liverpool Cotton Association.
15. The Refined Sugar Association.
16. Schmitthoff, Schmitthoff's Export Trade: The Law and Practice of International Trade (Stevens, London, 9th ed 1990) p.73.
17. The United Nations Economic Commission for Europe.
18. General Conditions for the Supply of Plant and Machinery for Export (Form No 188).
19. Conditions for the Supply and Erection of Plant and Machinery for Import and Export (Form No 188A).
20. Listing Additional Clauses for Supervision of Erection of Engineering Plant and Machinery Abroad (Form No 188B).
21. General Conditions for the Supply of Plant and Machinery for Export (Form No 576).
22. General Conditions for the Supply and Erection of Plant and Machinery for Import and Export (Form No 574A).
23. Listing Additional Clauses for Supervision of Erection of Engineering Plant and Machinery Abroad (Form No 574B).
24. General Conditions of Sale for the Import and Export of Durable Consumer Goods and of Other Engineering Stock Articles (Form No 730).

25. Counter-Purchase.
26. Buy-back.
27. Countertrade.
28. Fédération Internationale des Ingénieurs-conseils (FIDIC).
29. Schmitthoff, "Standard Contracts and the Protection of the Weaker Party in International Trade Relations" in UNIDROIT, *New Directions in International Trade Law, Vol.1* (UNIDROIT, New York, 1977) p.182.
30. Michida, "Possible Avenues to Preparation of Standard Contracts for International Trade on a Global Level" in Honnold (ed), *Unification of the Law Governing International Sales of Goods* (Librairie Dalloz, Paris, 1966) p.254.
31. Boggiano, *International Standard Contracts; the Price of Fairness* (Graham & Trotman, Dordercht, the Netherlands, 1991) p.25.
32. Lord Diplock.
33. Macaulay Schroeder Music Publishing [1974] WLR 1308 p 1316.
34. Unfair Contract Terms Act 1977 (UK).
35. Sperling, "Standard Conditions under Dutch Law" (1993) *International Business Lawyer*, p.489.